

ما می گوئیم:

درباره این روایت، به سبب استعمال صیغه مبالغه، همان اشکالی که ذیل آیات سوره قلم مطرح شد، قابل طرح است.

۸. تحف العقول عن رسول الله (ص):

مطابق نقل بحار، تحف العقول روایتی را نقل می کند که در آن پیامبر، وصیت هایی را خطاب به مولی الموحدين می فرمایند. در ضمن این وصایا، حضرت می گویند:

«يا على احذر الغيبة و النميمة فان الغيبة تُفَطِّرُ و النميمة توجب عذاب القبر»^۱

[تفطر یا تفطر: شیء را دو نیم می کند / اگر به معنای افطار روزه نباشد، به معنای آن است که فرد در قیامت به سبب این گناه پاره پاره می شود]

ما می گوئیم:

هر عبارتی دیگر از این وصیت، قطعاً «نهی از محرمات» نیست مثلاً در عبارتی دیگر حضرت رسول (ص) می فرمایند انگشتر را در انگشت میانه نکن. ولی این عبارت به سبب تقارن با غیبت و همچنین اشاره به عذاب قبر، دال بر حرمت است.

۹. عیون اخبار الرضا:

در روایتی که صدوق مسنداً از حضرت عبدالعظیم حسنی از امام جواد نقل کرده است و امام جواد آن را متصلاً از پدران بزرگوارش از امیرالمومنین روایت می کنند. چنین ضبط شده است که حضرت امیر می فرمایند روزی من و فاطمه (س) بر پیامبر (ص) وارد شدیم و ایشان را در حال گریه بسیار یافتیم علت را که جويا شدیم، حضرت فرمودند که در معراج صحنه هایی ناراحت کننده را مشاهده کرده اند. و از جمله این صحنه ها، یک مورد را چنین نقل می کنند که زنی را دیده اند که:

«رأيت امرأة رأسها رأس الخنزير و بدنها بدن الحمار و عليها الف الف لون من العذاب»

و در پاسخ به سوال صدیقه طاهره که علت آن را جويا می شوند، می فرمایند:

«اما التي كان رأسها رأس الخنزير و بدنها بدن الحمار فانها كانت نمامة كذابة»^۲

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۶۷

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۱



ما می گوئیم:

۱. با توجه به تقیید کذاب به نام، دو مطلب در این باره مطرح است اگر: تمامی را اعم از صورتی بدانیم که سخن مطرح شده صادق یا کاذب باشد، در این صورت این روایت فقط تمامی دروغین را تحریم می کند (آن هم در صورتی که زن کذاب یعنی بسیار دروغ گوینده باشد)
 ۲. ولی اگر گفتیم - چنانکه نظر ما چنین بود - که تمامی فقط به سخنانی گفته می شود که (با حفظ سایر شرایط)، راست باشد، در این صورت روایت عذاب را درباره زنی می داند که دو صفت را همراه هم داشته باشد و لذا درباره کسی که تنها تمامی می کند چنین عذابی مطرح نیست (البته این به معنای عدم حرمت تمامی نیست بلکه این عذاب مربوط به فرض خاصی است)
۱۰. الترغیب عن النبی:

در کتاب الترغیب و الترهیب (نوشته اسماعیل بن محمد ابن جوزی (۵۳۵-۴۵۷) معروف به قوام السنه، که از بزرگان اهل سنت است ولی برخی او را شیعه دانسته اند) روایتی از پیامبر نقل است که: «لا یدخل الجنة النمام» و اضافه می کند: «ان النمیمه و الحقد فی النار، لا یجتمعان فی قلب مسلم»^۱

۱۱. روایت دال بر اینکه تمامی سحر است:

در روایات سحر خواندیم که مرحوم طبرسی در احتجاج، روایت مفصلی را نقل می کند که در آن زندیقی از امام صادق (ع) سؤالات متعددی را می پرسد. از زمره آن سؤالات، سوالی است که درباره سحر و اینکه ساحر از کجا به مسائل مختلف دسترسی پیدا می کند، طرح شده است. حضرت صادق (ع) در پایان توضیحات مفصل می فرماید:

«أن من أكبر السحر النمیمه، یفرق بها بین المتحابین، ویجلب العداوة علی المتصافیین، ویسفک بها الدماء، ویهدم بها الدور ویكشف بها الستور، والنمام أشر من وطئ الأرض بقدم»^۲

نکته قابل ذکر آنکه در منابع اهل سنت هم چنین مضمونی مطرح است که از پیامبر (ص) نقل شده است که:

«کادت النمیمه ان تكون سحراً»^۳

۱. ج ۳، ص ۴۹۸، به نقل از میزان الحکمة

۲. الإحتجاج، ج ۲، ص ۸۲

۳. کنز العمال، حدیث ۸۳۵۱



ما می گوئیم:

۱. با توجه به مسلم بودن حرمت سحر، الحاق نیمه به سحر، حرمت آن را ثابت می کند.
۲. اما نکته مهم آن است که توجه کنیم که آیا قصد پیامبر(ص) و امام صادق(ع) آن بوده است که نیمه را موضوعاً سحر بدانند و یا اینکه در مقام اثبات حکم سحر (حرمت) بوده اند؟
به نظر می رسد آنچه با توجه به آثار نیمه بیان شده است (که بین دوستان جدایی می افکند) و اینکه در قرآن این اثر، اثر اصلی سحر است (فیتعلمون منها ما یفرقون به بین المرء و زوجته)^۱، سخن پیامبر (ص) و امام صادق(ع)، ناظر به آن است که ادعاً نیمه را هم سحر به شمار آورند. و لذا یا می گوئیم از باب حکومت، نیمه، سحر دانسته شده و یا آنکه می گوئیم این اثبات حکم به لسان وحدت ادعایی موضوع است.

ولی در هر صورت تحریم نیمه از این روایت قابل استفاده است.

۱۲. روایت ثواب الاعمال و عقاب الاعمال:

صدوق در ثواب الاعمال در روایتی به آخرین خطبه پیامبر(ص) اشاره می کند. در این روایت، حضرت در عبارتی می فرماید:

«وَمَنْ مَشَى فِي نَمِيمَةٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ نَارًا تُحْرِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَإِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شُجَاعًا تَنِينًا أَسْوَدَ يَنْهَشُ لَحْمَهُ حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ»^۲

[تنین: ازدها/ شجاع: گونه ای از مار، افعی / نهش: گزیدن]

۱۳. روایت محمد بن قیس:

«وعن محمد بن يحيى ، عن محمد بن أحمد ، عن محمد بن عيسى ، عن يوسف بن عقيل ،

عن محمد بن قيس ، عن أبي جعفر عليه السلام قال : الجنة محرمة على القتاتين المشائين

بالنميمة.»^۳

[قتات: نمام مُزور]^۴

۱. سوره بقره آیه ۱۰۲

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۸۴

۳. وسائل الشیعة ط-آل البيت، ج ۱۲، ص ۳۰۶

۴. مجمع البحرين، ج ۲، ص ۲۱۴



ما می گوئیم:

در روایت است که:

«من بَلَغَ بعض الناس ما سمع من بعض آخر منهم فهو القتات، فلا ينبغي سماع بلاغات الناس بعضهم على بعض ولا تبليغ ذلك»^۱

۱۴. روایت المجالس و الاخبار:

«محمد بن الحسن فی (المجالس والأخبار) بإسناده عن أبي ذر عن النبي صلى الله عليه وآله في وصيته له قال : يا أباذر ، لا يدخل الجنة القتات ، قلت : يا رسول الله ، ما القتات؟ قال : النمام. يا أباذر ، صاحب النميمة لا يستريح من عذاب الله في الآخرة ، يا أباذر من كان ذا وجهين ولسانين في الدنيا فهو ذو وجهين في النار ، يا أباذر المجالس بالأمانة وإفشاءك سر أخيك خيانة (فاجتنب ذلك واجتنب مجلس العثرة »^۲



درم خارج نقد ائمه سید حسن خمینی

۱. مجمع البحرين، ج ۳، ص ۴۵۵

۲. وسائل الشیعة ط-آل البيت، ج ۱۲، ص ۳۰۷